

عمامته السحاب:

عمامه‌ی او «سحاب» است

هذه رؤيا قصّها (عليه السلام) عليّ يوماً، فقال:

این رؤیایی است که یک روز سید (علیه السلام) آن را برایم تعریف نمود:

[قبل يومين رأيت رؤيا، نسأل الله أن تكون خيراً.

«دو روز پیش رؤیایی دیدم. از خدا مسئلت می‌کنیم که خیر باشد.

كنت أقف في مكان ودخل عليّ جماعة يريدون شيئاً ما، أو ربما يبحثون عن الحق، لم أنتبه لهم من هم، ولكن انتبهت إلى أنني كنت ألبس ملابس غامقة اللون أو سوداء، وكان على رأسي عمامة لونها أبيض مختلط بلون الماء، يعني كلون السحاب أو الغيوم، فانتبهت أنها كعمامة رسول الله السحاب أو هي نفسها، وانتهت الرؤيا] .

(دیدم) در جایی ایستاده‌ام و گروهی که خواسته‌ای داشتند یا شاید در جستجوی حق بودند بر من وارد شدند. من متوجه نشدم که اینها کیستند ولی به یاد دارم لباس‌هایی که به تن داشتم، به رنگ تیره و یا مشکی بود و بر سرم نیز عمامه‌ای بود که رنگ آن سفید مخلوط با رنگ آب یعنی مانند توده‌ی ابر بود. دریافتم که این همانند عمامه‌ی رسول خدا «سحاب» و یا دقیقاً همان عمامه بود. رؤیا پایان یافت».

